نیکولاس ریز «نفر سوم از راست» در کنار دیگر اعضای گروه / عکس: River Rock

گفت‌وگوی «شرق» با گروه موسیقی «جیپسی کینگز»

ایرانیان در شادی جهان سهیم‌اند

پرویز براتی . نیما توسلی

کولی‌های «مونت پلیه» و «آرلس» در جنوب فرانسه، فعلا قصد آمدن به ایران را ندارند. برخلاف اخبار منتشرشده مبنی‌بر سفر گروه «جیپسی‌کینگز» به تهران، این گروه در گفت‌وگو با «شرق» خبر آمدن خود را به ایران تکذیب کردند. در اخبار منتشرشده، اعلام شده بود دست‌اندرکاران ایرانی این کنسرت، تالار وزارت کشور را برای ۲۰ تا ۲۶ اردیبهشت، رزرو کرده‌اند، درحالی‌که طبق برنامه زمان‌بندی‌شده، شهر «آناهایم» کالیفرنیا در تاریخ ۲۷ می (ششم خرداد)، میزبان این گروه خواهد بود و پس از آن تور کنسرت «جیپسی‌کینگز» در دیگر شهرهای آمریکا ادامه می‌یابد.

شهرهای مختلف جهان درحالی میزبان «جیپسی‌کینگز» می‌شوند که این گروه فرازونشیب زیادی را پشت‌سرگذاشته و حتی اوایل کار، گیتارنوازی‌شان ریشخند کولی‌ها را برمی‌انگیخت. «سلاطین کولی» که بعدها نام «جیپسی‌کینگز» (Gipsy kings) را برای گروه خود برگزیدند، بی‌اعتنا به سرزنش‌ها و ریشخندها، نوآوری پیشه کردند. آنها چند برادر، پسرعمو و پسردایی بودند که پدران‌شان سال‌ها قبل از مناطق شمال‌شرقی اسپانیا به فرانسه کوچ کرده بودند. سلاطین کولی، که از دو خانواده «ریز» و «بالیاردو» بودند، اوایل کار در خیابان‌ها، کلوپ‌ها و سواحل دریا برای ثروتمندان به اجرای برنامه می‌پرداختند. گروه جیپسی‌کینگز، بعد از سال‌ها هنرنمایی، اواخر دهه ۸۰، صدای ساز و آواز خود را به گوش شنوندگان سراسر اروپا و آمریکا رساندند. این گروه با انتشار آلبوم «جیپسی‌کینگز» در سال ۱۹۸۸، به شهرتی قابلِ توجه دست یافتند. در سال ۱۹۸۹، اولین آلبوم خود را در ایالات‌متحده منتشر کردند که برای ۴۰ هفته متوالی درِ صدر پرفروش‌ها بود، اقبال عمومی به این گروه بعد از آن بیشتر و بیشتر شد و در این سال‌ها قطعات و آلبوم‌های این گروه در ایران هم با استقبال مناسبی روبه‌رو شد. خواننده اصلی این گروه درحال‌حاضر، «نیکولاس ریز» است که صدایی خش‌دار و جذاب دارد. برادر بزرگ‌تر او، پل، در اغلب اجراها با نیکولاس هم‌خوانی می‌کند. فرانسیس، آندره و پاچای، دیگر اعضای خانواده ریز هستند. دیه‌گو، پاکو و تونینو بالیاردو، سه عضو دیگر «جیپسی‌کینگز» اند.

گروه «جیپسی‌کینگز»، هم‌اکنون در جنوب فرانسه ساکن هستند. با اینکه کولی‌های دیروز، امروز با اتومبیل‌های مجلل و هواپیمای شخصی سفر می‌کنند، اما همچنان خود را «کولی» می‌دانند و حتی‌المقدور اوقات خود را در مواقعی غیر از سفر، در کاروان‌ها سپری می‌کنند. بعد از ارسال درخواست گفت‌وگو با این گروه از طریق ایمیل، توافق‌های اولیه با «میشل کروپل»، مسئول ارتباط با رسانه‌های گروه، انجام شد و نهایتا بعد از چندبار ردوبدل‌کردن سؤال و جواب‌ها، گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید، شکل گرفت.

در روزهای اخیر شنیدیم شما در حال برنامه‌ریزی برای اجرای یک کنسرت در تهران هستید. این موضوع را تأیید می‌کنید؟

نه، ما هیچ برنامه‌ای برای آمدن به ایران نداریم، البته گه‌گاه دعوت‌نامه‌هایی دریافت می‌کنیم و می‌دانیم گروه‌های تقلبی زیادی وجود دارند که از نام و برند «جیپسی‌کینگز» استفاده می‌کنند تا کنسرت‌های خود را برپا کنند، اما هواداران واقعی ما توجهی به آنها ندارند و تفاوت‌ها را تشخیص می‌دهند.

نگاه شما به مخاطبان ایرانی چگونه است؟ می‌دانید ترانه‌های «بامبولیو» و «جوبی جوبا»ی شما همان‌قدر در جهان معروفند که در ایران؟

ایران کشوری متمدن با فرهنگی غنی است و تاجایی‌که می‌دانیم موسیقی ایران برای خود طرفداران زیادی دارد. طبیعی است موسیقی ما در چنین فضا و اتمسفر فرهنگ‌پروری، هواخواه داشته باشد.

میزان شناخت‌تان از فرهنگ و تمدن ایرانی چقدر است؟

هیچ‌وقت به ایران نرفته‌ایم و واقعا نظر چندانی دراین‌باره نداریم. درواقع اگر بخواهیم صادقانه اظهارنظر کنیم، باید بگوییم ازآنجاکه هیچ‌گاه در ایران نبوده‌ایم، اطلاعات زیادی از این کشور نداریم. ما هرگاه برای برپایی کنسرت به شهر و کشوری سفر می‌کنیم، سعی می‌کنیم در کنار اجرای موسیقی، جاذبه‌های آن خطه را هم کشف کنیم و از آن لذت ببریم. در تورهای متعدد موسیقی‌مان، البته با ایرانیان زیادی از نزدیک روبه‌رو شده‌ایم و آنها را ملاقات کرده‌ایم. آنها چیزهای زیادی از ایران برای‌مان تعریف کرده‌اند. گفته‌اند ایران کشوری زیباست با تاریخی پرعظمت. برای‌مان تعریف کرده‌اند ایران کشوری است که موسیقی در آن برای مردم از اهمیت زیادی برخوردار است.

هیچ‌وقت شده با موسیقی‌دان‌های ایرانی قصد مشارکت در اجرا داشته باشید؟

تاکنون چنین فرصتی برای ما پیش نیامده است، اما چراکه نه، آماده هرگونه همکاری با موسیقی‌دانان ایرانی هستیم.

چه بُعدی از کشور ایران برای شما جالب است؟

ترجیح می‌دهیم بعد از سفر به این کشور پاسخ شما را بدهیم.

درباره ایرانیانی که به موسیقی شما گوش می‌سپارند، چه نظری دارید؟

موسیقی ما ساده است و انسان‌ها را شاد و خوشحال می‌کند. در کنسرت‌های ما خانواده‌ها و کودکان شاد می‌شوند. اجراهای‌مان چونان جشنی است پرشعف. بنابراین چه تفاوتی است میان ایرانیان با دیگر ملت‌ها؟ در سراسر جهان مردمان خواهان اندکی شادی و لذت هستند و طبیعتا ایرانیان هم در این شادی، سهیمند.

گفتید با موسیقی‌دانان ایرانی آشنایی ندارید؟

آشنایی زیادی نداریم، اما به برخی قطعات ایرانی گوش سپرده‌ایم و از این بابت با این موسیقی چندان بیگانه نیستیم. درواقع از موسیقی ایرانی خاطره داریم، اما این خاطره به‌گونه‌ای نیست که اشاره‌ای به قطعه و آهنگ خاصی داشته باشد.

موسیقی شما به‌عنوان تلاقی‌گاه موسیقی فلامنکو اسپانیایی و رومانیایی به «فانک سالسا» تشبیه شده است. نظرتان در این ارتباط چیست؟

این‌گونه فکر نمی‌کنیم. ما آن‌طور می‌نوازیم که پدران‌مان می‌نواختند و مردم هم لذت می‌بردند و هنوز هم لذت می‌برند. واقعا نیازی به توضیح بیشتری دراین‌باره نیست. فقط باید گوش داد.

ولی به‌هرحال برخی نوازندگان و موسیقی‌دانان معتقدند موسیقی گروه جیپسی‌کینگز، ملغمه‌ای از فلامنکوی اسپانیایی و داستان‌گویی رومانیایی با یک لهجه اندلسی است. خاستگاه این برخورد، یک نگاه سنتی است؛ بااین‌حال، می‌خواهیم واکنش شما را نسبت‌به این طرز تلقی بدانیم... .

ما خودمان را در برابر سؤال‌های بی‌شمار قرار نمی‌دهیم. کارمان نوازندگی و اجرای موسیقی است؛ آن هم موسیقی‌ای که از نیاکان‌مان آموخته‌ایم، البته این نوع موسیقی به شکلی سنتی عمدتا با ساز گیتار در ترکیب با اصوات و پالماس (کف‌زدن) اجرا می‌شود و ما تعدادی ساز مرتبط با موسیقی پاپ، مثل درامز و کیبورد به آن اضافه می‌کنیم. با تمام اینها، باید بگوییم در زمانه خود زندگی می‌کنیم و ریشه در اکنون داریم.

از این نظر، اعتقادی به ترکیبی‌بودن موسیقی خود ندارید؟

اگر کسی احساس کند موسیقی ما آن چیزی است که شما توصیف کردید، ما مشکلی نداریم و به او می‌گوییم تو درست می‌گویی، اما باید به شما یادآور شویم که تمام تلاش‌مان بر این است که موسیقی مختص خودمان را بنوازیم. این موسیقی همان چیزی است که مردم از ما انتظار دارند. موسیقی ما در سادگی خلاصه می‌شود. شما در آن شاهد هم‌نوایی سازهای گیتار با اصوات هستید.

> **تغییرات چندانی در اهداف ما رخ نداده است، اهداف‌مان همانی است که از ابتدا برای خود ترسیم کردیم: در میان مردم و بامردم‌بودن. گروه ما ظرف سه دهه اخیر آلبوم‌های زیادی منتشر کرد و کنسرت‌های متعددی را روی صحنه برد بااین‌حال موسیقی‌مان بر یک اصل استوار است: «لذت‌بردن مخاطب از موسیقی»**

آیا خاستگاه اَندلسی موسیقی‌تان را انکار می‌کنید؟

ابدا، درواقع سبک موسیقی ما «رومبا کاتالان» نام دارد که نام یک سبک قدیمی موسیقی مربوط به کولی‌های کاتالان در دهه ۵۰ میلادی است. اعضای اولیه گروه ما از دو خانواده ریز (Reyes) و بالیاردو (Baliardo) بودند که از شمال‌شرق اسپانیا به فرانسه کوچ کردند. ما در «مونت پلیه» و «آرنو»ی فرانسه زندگی فقیرانه و کولی‌واری داشتیم که به‌مرور بهتر و بهتر شد. در پاسخ به سؤال‌تان باید بگوییم برای خود خاستگاهی ممزوج از فرهنگ و زبان اسپانیایی، فرانسوی و رومانیایی قائل هستیم.

موسیقی شما «فلامنکو» (Flamenco) است؟

نه صددرصد، در ابتدای گفت‌وگو به این اشاره کردیم که موسیقی ما برای مردم است. حتما می‌دانید که «فلامنکو» در جنوب اسپانیا ترکیبی از یک آوازخوان و یک رقصنده است. مردم در آنجا تنها شاهد اجرای موسیقی‌ای هستند که از جایگاه، دیده و شنیده می‌شود. موسیقی ما، اما یک «پرفورمنس» و اجراست. نمی‌گذاریم مخاطب ساکت بماند. «لذت حضور» را به مخاطب می‌چشانیم و ریتم‌های‌مان سریع هستند.

به‌عنوان دو گروه برادر، کارکردن با خانواده روی سن یا به‌صورت آلبوم چگونه تجربه‌ای است؟ روابط نزدیک‌تان کار را ساده‌تر می‌کند یا سخت‌تر؟

هرچیزی قرار باشد در یک گروه خانوادگی انجام شود نقاط مثبتی دارد، اما درعین‌حال، دربردارنده نقاط منفی‌ای نیز هست بنابراین در جواب شما باید بگویم که نه، آن‌قدرها هم ساده‌تر نیست.

بسیاری از مردم به اشتباه فکر می‌کنند شما اسپانیایی هستید، درحالی‌که درواقع فرانسوی هستید. می‌خواهیم بدانیم عموما بین خودتان به چه زبان‌هایی صحبت می‌کنید؟

جیپسی و فرانسوی.

موسیقی جیپسی‌کینگز اغلب به‌عنوانِ «موسیقی جهانی» (World Music) شناخته می‌شود، اما اثرپذیری‌های فراوانی در موسیقی این گروه وجود دارد. شما این موسیقی را چگونه طبقه‌بندی می‌کنید؟

در دسته‌بندی موسیقی جیپسی‌کینگزی!

ترکیب امروز گروه «جیپسی‌کینگز»، شامل اعضای دو خانواده «ریز» و «بالیاردو» است. چه شد که چیکو بوشیخی و خورخه ترازانته از گروه جدا شدند تا غیر از اعضای دو خانواده فعلی، عضو دیگری در گروه نباشد؟!

سال ۱۹۸۹، بعد از پخش آلبوم Mosaique، چیکو اختلافاتی با ما پیدا کرد که بیشتر مربوط به مسائل حقوقی راه‌اندازی گروه بود. آن زمان، یک‌سال از انتشار آلبوم «جیپسی‌کینگز» می‌گذشت و می‌دانید که این آلبوم در سال انتشارش، موفق شد در ردیف ۱۰ آلبوم برتر دنیا قرار گیرد. اختلاف چیکو با گروه بر سرِ این بود که می‌گفت نام «جیپسی‌کینگز» را قبل از پا گرفتن گروه ثبت کرده است. درواقع او نسبت‌به این نام و نشان، احساس مالکیت می‌کرد، البته باید بگویم اختلاف در بسیاری از گروه‌های موسیقی بوده است. شما در گروه «بیتل‌ها» هم این اختلافات را می‌بینید، همین‌طور می‌توانیم به اختلاف و جدایی «راجر واترز» از «دیوید گیلمور» اشاره کنیم، البته بیش از ۲۰ سال است که «چیکو» از ما جدا شده و تقریبا این مسئله از یاد همه رفته است... .

شما از اواسط دهه ۸۰ به گروهی پرطرفدار در تراز جهانی تبدیل شدید. در این چند دهه، چه تغییراتی در اهداف‌تان رخ داده است؟

تغییرات چندانی در اهداف ما رخ نداده است، اهداف‌مان همانی است که از ابتدا برای خود ترسیم کردیم: در میان مردم و بامردم‌بودن. گروه ما ظرف سه دهه اخیر آلبوم‌های زیادی منتشر کرد و کنسرت‌های متعددی را روی صحنه برد، بااین‌حال موسیقی‌مان بر یک اصل استوار است: «لذت‌بردن مخاطب از موسیقی». از نظر تکنیکی، البته تفاوت‌هایی بین کار امروزمان با کارهای دیروز دیده می‌شود؛ در آلبوم‌های دهه ۸۰ موسیقی‌ای روی صحنه می‌بردیم که گیتار، پالماس (کف‌زدن) و باس در آن محوریت داشت؛ حالا، در دهه دوم هزاره سوم، خیلی چیزها فرق کرده است، به‌مرور ترجیح دادیم برخی سازهای مدرن را هم به ترکیب سازهای‌مان اضافه کنیم، البته گاه کاربرد سازهایی چون ترومپت به کارمان لطمه زده است و فهمیدیم باید همانی باشیم که هستیم. مردم به اصوات ما عادت کرده‌اند و همیشه از ما می‌خواهند همین که هستیم، باقی بمانیم. سبک ما این‌روزها همان «رومبا-فلامنکو» است. درواقع روح اولین اجراها و آلبوم‌ها، هنوز بعد از سه دهه در کنسرت‌ها و آلبوم‌های جدیدمان دیده می‌شود. درعین‌حال، فراموش نکنید انرژی ما آن انرژی سال‌های جوانی نیست، با همه اینها، هنوز شاهد رشد و به‌جلورفتن اعضای گروه هستیم.

درباره آینده موسیقی «رومبا-فلامنکو» بگویید... .

موسیقی برای همیشه بخشی از زندگی مردم خواهد بود. ما «کولی»هایی هستیم که زمان را درنوردیده‌ایم و سرزمین‌های بسیاری را زیرپا گذاشته‌ایم. مطمئن باشید روزی کولی‌وار به ایران خواهیم آمد، تا قبل از آن زمان، شما می‌توانید بنویسید: «سلاطین کولی در آرزوی دیدارِ سرزمین پارس».

و آینده گروه «جیپسی‌کینگز»؟

ما فرزندان‌مان را دوست داریم و امیدواریم روزی آنها همان کاری را انجام دهند که ما کردیم: «انتقال و عرضه موسیقی مردمی به جهانیان».

آرشه

اجرای «کیوان ساکت» با نوازندگان انجمن گوته

شرق: کیوان ساکت نوازنده تار به همراه چهار گیتاریست آلمانی تحت حمایت انجمن گوته، هفتم و هشتم خرداد در تالار وحدت به اجرای موسیقی تلفیقی شرق و غرب می‌پردازد. به گزارش روابط‌عمومی انجمن موسیقی ایران (نای)، کیوان ساکت، نوازنده و آهنگ‌ساز، درباره این اجرا گفت: سال گذشته توسط یکی از ایرانیانی که با انجمن گوته در ارتباط بود، با من تماس گرفته شد مبنی‌براینکه یک گروه گیتاریست حرفه‌ای که تحت حمایت انجمن گوته هستند، تمایل دارند برای اشاعه فرهنگ موسیقی فاخر، کنسرتی را با بنده در ایران اجرا کنند. وی ادامه داد: وقتی کلیت این طرح را پیگیری کردم، متوجه شدم آنها هیچ‌گونه هدف مالی‌ای در این کار ندارند و برای اجرا با یک هنرمند شرقی و کسب یک تجربه جدید، تمام هزینه‌های حضور و اجرایشان در ایران را انجمن گوته متقبل شده است. این نوازنده تار افزود: بعد از رایزنی‌های مختلف، سرانجام با حمایت انجمن موسیقی ایران و بنیاد فرهنگی-هنری رودکی، شرایط برگزاری این کنسرت مهیا شد. ساکت درباره رپرتوار این اجرا گفت: در بخش اول، گروه گیتار و بنده به اجرا خواهیم پرداخت و در بخش دوم نیز با ارکستر کیوان ساکت به همراه چهار گیتاریست، آثاری از موسیقی شرق و غرب را اجرا خواهیم کرد.

این آهنگ‌ساز با بیان اینکه تمرینات ارکستر از هم‌اکنون آغاز شده، بیان کرد: طی این مدت نت‌های اجرایی بین ارکستر ما و این گیتاریست‌ها ردوبدل شده به‌طوری‌که از هم‌اکنون هردو گروه تمرینات خود را به‌صورت جداگانه آغاز کرده‌ایم تا با ورود گروه چهارنفره گیتار از آلمان، تمرینات تلفیقی‌مان را انجام دهیم. ساکت در خاتمه با اشاره به حضور نوازنده درجه‌یک ایران در ترکیب ارکسترش خاطرنشان کرد: در این اجرا و در ترکیب ارکستر کیوان ساکت، هنرمندان برجسته‌ای چون سیاوش ظهرالدینی، ناصر رحیمی، همایون رحیمیان، کریم قربانی، فرشید حفظی‌فرد و بسیاری چهره‌های سرشناس دیگر حضور دارند و در این اجرا روی صحنه خواهند رفت. کنسرت تلفیقی ارکستر موسیقی کیوان ساکت و گیتاریست‌های آلمانی، هفتم و هشتم خرداد ساعت ۲۱:۳۰ در تالار وحدت برگزار می‌شود.

سونات مهتاب

کنسرت «روحانی» در تهران

شرق: بلیت‌فروشی برای کنسرت شهرداد روحانی در سالن همایش‌های برج میلاد آغاز شد. کنسرت شهرداد روحانی ۱۹ اردیبهشت روی صحنه خواهد رفت و او علاوه بر رهبری و نوازندگی پیانو، تمام قطعات ساخته خودش را روی صحنه خواهد برد. قطعاتی مانند «رقص بهار» و «عزرا» نیز در این کنسرت اجرا می‌شوند. قیمت بلیت‌های این اجرا ۳۵ تا ۱۲۰ هزار تومان است و علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت «ایران‌کنسرت» مراجعه کنند.

ادامه از صفحه ۱۰

در برابر مدرنیته عقب‌نشینی کردیم

از طرف دیگر در حوزه معماری ایرانی هم لازم است صرفا از شناخت گذشته به صورت سطحی دست برداریم تا بتوانیم آن را به صورت عمیق برای امکان استفاده از ایده‌های آن، گسترش دهیم.

کارکرد دانشگاه‌های ما دراین‌میان باید به چه صورتی باشد؟

دانشگاه‌های ما بیشتر به یک مرکز آموزشی و آموزشگاهی تبدیل شده‌اند و کارهای پژوهشی عمیق و درازمدت در آنها انجام نمی‌شود و برخی از سازمان‌های فرهنگی ما هم بیشتر به پروژه‌های کوتاه‌مدت و کاربردی توجه دارند و کارهای آکادمیک، کمتر در حوزه کار آنها قرار دارد. به‌همین‌دلیل در آینده نزدیک هم گمان نمی‌رود چشم‌انداز بسیار درخشانی را جلو روی خودمان داشته باشیم.

وقتی به معماری دیگر کشورها نگاه می‌کنیم، آنها دغدغه‌ای برای معماری هویت‌مند ندارند؛ ولی نتیجه کارشان سازه‌ای هویت‌دار می‌شود؛ اما ما نه‌تنها این دغدغه را داریم؛ بلکه به آن هم نمی‌رسیم، چرا؟

در دوره معاصر، حوزه معماری مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، آن‌چنان گسترده شده که بحث هویت به چند شکل می‌تواند مطرح شود: در بسیاری از بناهای شهرهای ما، جنبه‌های کارکردی به شدت اهمیت دارد و جنبه‌های فرهنگی در آنها جنبه‌های ثانوی به‌حساب می‌آید؛ مثلا اگر یک کارخانه اتومبیل‌سازی قرار است طراحی و ساخته شود، جنبه‌های کارکردی آن اهمیت زیادی دارد و جنبه هویتی و فرهنگی در آنها جنبه‌های ثانویه است و می‌توانیم تصور کنیم که یک کارخانه ساخته شود بدون اینکه جنبه فرهنگی هم در آن مطرح شود؟ چنین اتفاقی می‌تواند روی دهد، اما برخی از فضاهای معماری هستند که فضاهای فرهنگی هستند و در آنها مسئله فرهنگ و هویت، اهمیت زیادی دارد؛ برای مثال اگر مسجدی طراحی و احداث شود بدون اینکه احساسی از فضای اسلامی را منتقل کند، قابل انتقاد خواهد بود؛ بنابراین درباره فضاهای دینی و فضاهای فرهنگی مانند موزه‌ها، برخی از کتابخانه‌ها و برخی مراکز آموزشی خاص، می‌توانیم خواسته خود را که باید بازتاب فرهنگ ایرانی داشته باشد، ابراز کنیم. اگر این‌طور نباشد، دیگر بحث هویت و فرهنگ به صورت عام مخدوش می‌شود و گمان می‌کنم درباره فضاهای فرهنگی به صورت عام، بحث هویت و فرهنگ لازم است که مطرح شود.

بحث‌های اقتصادی و سیاسی و... که در کشور وجود داشت تا چه حد ما را از هویت معماری‌مان دور کرده است؟

عامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین پارامترهای تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران و سایر کشورهای جهان است. با توجه به اینکه حجم عمده‌ای از ساخت‌وسازها، به ساختمان‌های مسکونی، اداری کوچک و... اختصاص دارد و در ساخت این نوع ساختمان‌ها اقتصاد پروژه و هزینه ساخت، حرف اول را می‌زند، بنابراین در بسیاری از بناهای یادشده، مسئله فرهنگ و هویت، در حوزه طراحی خودبه‌خود نادیده گرفته می‌شود؛ اما در ساختمان‌های عمومی و دولتی چنین نیست، فقدان اندیشه و تفکر لازم در کارفرمایان ما و گاه در قشری از مردم، باعث می‌شود معماری توسعه پیدا نکند. در بناهای بزرگ، شاهد سرمایه‌گذاری‌های کلانی هستیم که با عدم اشراف کافی از طرف طراح و مسئله اهمیت پروژه، کاری متوسط یا احتمالا ضعیف اجرا می‌شود. در ایران هنوز تفاوت هنر معماری و ساختمان‌سازی شفاف نشده و بسیاری از ساختمان‌های ما در نبود هنر معماری و از روی ژورنال‌های غربی و به دست بسازوبفروش‌ها ساخته می‌شوند. باید برای ضعف فرهنگ عمومی کشور در حوزه هنر معماری فکری کرد تا آن طور که شایسته این هنر است در گسترش آن کوشیده شود.

یک دانشجو معماری چگونه می‌تواند اقلیم را با معماری ایرانی طوری تلفیق کند که حرف جدیدی برای گفتن داشته باشد؟

به نکته بسیار خوبی اشاره کردید که بسیار اهمیت دارد و آن اینکه از همان دهه ۵۰ که معماری ایرانی مورد توجه قرار گرفت، چون معماری مناطق کویری ایران واقعا از لحاظ ویژگی‌های طراحی غنی‌ترین معماری ایرانی است، باعث شد که وقتی صحبت از معماری ایران می‌شود، خودبه‌خود معماری کویری مطرح شود و در بسیاری از آثار از المان‌های معماری کویری یاری گرفته شود، به‌طوری‌که خودبه‌خود معماری ایرانی غالبا با معماری کویری مصادف یا مرادف شده است؛ اما آن نکته‌ای که شما مطرح کردید که بحث اقلیمی معماری ایرانی است، به نظر من کمتر مورد توجه قرار گرفته و به‌همین‌دلیل است که در واقع تکرار یک تعداد بادگیر بالاخره چشم را خسته می‌کند یا تکرار بی‌مورد حیاط مرکزی بالاخره خسته‌کننده می‌شود. نگاه من این است که نه‌تنها معماری ایرانی، بلکه معماری در هر سرزمینی وجوه مختلف دارد؛ برای مثال یک وجه آن وجه سازه‌ای است و یک وجه آن، وجه اقلیمی است، یک وجه آن وجه کارکردی است، وجه دیگر وجه فرهنگی است و یک وجه هم وجه نمادین معماری است. برخی از این وجوه اگر زیاد تکرار شوند، خسته‌کننده خواهند شد؛ مثلا استفاده از قوس‌های جناقی که به عنوان نمادی از معماری ایرانی هزاران بار تکرار شده و دیگر خسته‌کننده است. باید بدانیم که یک وجه سازه‌ای در معماری بوده، یعنی در ابتدا از قوس چه به صورت جناقی یا شکل‌های دیگر به دلیل جنبه‌های سازه‌ای استفاده شده و سپس این جنبه‌ها، کمی حالت فرهنگی به خود گرفته. پس نمی‌توان به راحتی قوس را به کار برد، بدون اینکه مصرف سازه‌ای داشته باشد و تنها بهانه‌ای باشد برای اینکه بگوییم یک معماری ایرانی خلق کرده‌ایم.

اما درحال‌حاضر ازاین‌دست تکرارها در همه سازه‌های شهری دیده می‌شود، آیا این تکرار خطرناک است؟

وقتی یک عنصر هزاران بار تکرار شود، مسلما خسته‌کننده خواهد شد؛ اما وجوهی هم داریم که خیلی شناخته نشده و توسعه پیدا نکرده‌اند، یعنی همان‌طورکه شما گفتید، درست است برخی از عناصر به صورت تقلیدی، مکرر و خسته‌کننده شده‌اند و دیگر همه احساس می‌کنند چیزی برای گفتن و ادعا ندارند- و یکی از عوامل شکست توسعه معماری ایرانی در دوران معاصر همین بود- درحالی‌که ما وجوه نمادینی از معماری داریم که قابل بازآفرینی و نوآوری است و شناخته نشده است؛ برای مثال یکی از ویژگی‌هایی که می‌توانم بگویم انواع طرح‌های چهارتایی ایرانی است. طرح‌های چهار ایوانی، چهار طاقی، چهار صفه، چهار باغ، انواع این طرح‌های چهارتایی طرح‌هایی نمادین بودند که ریشه در فرهنگ بسیار کهن ایرانی دارند و دارای پیشینه‌ای پنج، شش هزار ساله هستند. این یکی از ویژگی‌هایی است که در طول سال‌ها مرتب تحول پیدا کرده، جنبه اقلیمی هم ندارد، جنبه سازه‌ای به‌هیچ‌وجه ندارد، جنبه کارکردی هم ندارد و این جنبه‌ای است که به حد کافی از نظر تئوریک شناخته شده نیست؛ اما جالب است که همه آن را می‌شناسند، چراکه به تفکر در معماری ایران و فرهنگ ایران وابسته است و می‌تواند در شرایط فعلی جواب‌گو باشد.